

بسمه تعالی

## اخلاق تشکیلاتی

دوره تربیت مدیران تشکیلاتی روحانی شهید میرزا کوچک جنگلی

جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی استان گیلان



حجت الاسلام والمسلمین مشهدی آقای

## مقدمه

کتاب شذرات المعارف اثر مرحوم آیت الله عظاما میرزا محمد علی شاه آبادی (استاد حضرت امام رضوان الله علیه) است. این کتاب را مرحوم آیت الله شاه آبادی به نام شذرات (یعنی هدیه طلایی یا تذکره‌های طلایی که به آنها شذره می‌گویند و جمع آن می‌شود شذرات) یعنی کلیدهای معرفت.

مطالبی که در اینجا بیان می‌شود، از شذره اول و شذره دوم است که مرحوم شاه آبادی در این کتاب به صورت خلاصه می‌گویند که علت بیماری و بدبختی‌هایی که مسلمانان دارند، چهار موضوع است. نکته اول غرور به حقانیت است. این که یک حزب الهی شیعه به خاطر حقانیت خود بگوید که من حق هستم و و اسلام حق است، شیعه حق است و ما بر حق هستیم و بقیه عوام کالانعام هستند و نمی‌شود کاری کرد. که این دو بدبختی ایجاد می‌کند یکی روحیه اسارت بوجود می‌آورد یعنی ما که حق هستیم و خودمان با خودمان هستیم و دو هم که هر کس هر طور که می‌خواهد باشد.

از یک طرف روحیه انفراد یعنی فرد گرایی و درون گرایی و یک نکته‌ی دیگر هم یأس از اینکه با دیگران نمی‌شود کاری کرد. غرور به حقانیت مثل غرور به شفاعت آدم را از جمع دور می‌کند. به طور مثال برخی از این آدم‌ها این ریشه رهبانیت و انزوا و جدایی و درویش مسلکی دارند که این اعتقاد غرور انگیز، به حق بودن خود است. ما باید دامن خودمان را بکشیم به قله کوه و با کسی دیگر کار نداشته باشیم که اسلام این را نمی‌پسندند.

کتاب دیگر از مرحوم آیت الله حاج آقا مجتبی تهرانی است. ایشان کتاب‌های اخلاقی دارند و حدود ۲۰۰۰ ساعت نوار اخلاق دارند که اگر منتشر شود، چیزی حدود صد جلد کتاب اخلاق بر مبنای آیات و روایات می‌شود. تا به حال چهار جلد آن چاپ شده است. دو جلدش متعلق به پیوند اهل ایمان است. یعنی هر برادری که کار تشکیلاتی می‌کند و با پنج نفر تا ۵۰۰ نفر یا ۵۰۰۰ نفر سر و کار دارد. بخصوص هیئت‌ها و تشکل‌هایی که جمع و هسته اولیه‌ای دارند و با هم کار می‌کنند. این‌ها اگر با هم همدلی نکنند و با هم کار نکنند و به همدیگر

دوره تربیت

مدیران تشکیلاتی

روحانی شهید

میرزا کوچک جنگلی

تحویل ندهند و از هم تحویل نگیرند، قاندا تا ممکن است به مشکل  
بخورند.

جبهه فرهنگی

انقلاب اسلامی

استان گیلان

## چکیده

کتاب شذرات المعارف اثر مرحوم آیت الله عظاما میرزا محمد علی شاه آبادی (استاد حضرت امام رضوان الله علیه) است. این کتاب را مرحوم آیت الله شاه آبادی به نام شذرات (یعنی هدیه طلایی یا تذکره‌های طلایی که به آنها شزره می‌گویند و جمع آن می‌شود شذرات) یعنی کلیدهای معرفت.

## علت مشکلات مسلمانان

علت بیماری و بدبختی‌هایی که مسلمانان دارند، چهار موضوع است. نکته اول غرور به حقانیت است. این که یک حزب الهی شیعه به خاطر حقانیت خود بگوید که من حق هستم و و اسلام حق است، شیعه حق است و ما بر حق هستیم و بقیه عوام کالانعام هستند و نمی‌شود کاری کرد. که این دو بدبختی ایجاد می‌کند یکی روحیه اسارت بوجود می‌آورد یعنی ما که حق هستیم و خودمان با خودمان هستیم، و دومی هم اینکه هر کس هر طور که می‌خواهد باشد.

از یک طرف روحیه انفراد یعنی فرد گرایی و درون گرایی و یک نکته ی دیگر هم یأس از اینکه با دیگران نمی‌شود کاری کرد. غرور به حقانیت مثل غرور به شفاعت آدم را از جمع دور می‌کند. به طور مثال برخی از این آدم‌ها این ریشه رهبانیت و انزوا و جدایی و درویش مسلکی دارند که این اعتقاد غرور انگیز به حق بودن خود است. ما باید دامن خودمان را بکشیم به قله کوه و با کسی دیگر کار نداشته باشیم که اسلام این را نمی‌پسندند.

در بحث کتاب شذرات المعارف همانند غرور به حقانیت، غرور به شفاعت هم داریم، غرور به شفاعت، تَجَرِّی به گناه می آورد، می گوید که تو شیعه مرتضی علی هر کاری کردید، کردید خداوند به سبب علاقه به اهل بیت و امام حسین به قول شهید مطهری در کتاب حماسه حسینی می گوید که شمر شب اول قبل که نکیر و منکر می آیند می گویند که این عرق خورده است می گویند رهایش کن که گریه کرده است می گویند زنا کرده است غیبت کرده است تهمت زده است مال مردم را خورده است می گوید که رهایش کن که گریه کرده است. این غرور به شفاعت تجری به گناه می آورد غرور بر حقانیت تجری بر انزوا و فردگرایی و دوری از جمع ایجاد می کند.

دومی سبب یأس است که وقتی این روحیه اول آمد بیماری دوم می آید و کاری نمی شود کرد. سوم افتراق و اختلاف است. همان روحیه فرد گرایی باعث این بدبختی می شود، و چهارم هم نداشتن عده و عده است. عده یعنی جمعیت و عده یعنی پول و امکانات، هم عده می خواهد یعنی جمعی که این جا جمع شده اند این عده، عده هم می خواهد یعنی باید امکاناتی داشته باشد، بعد خیلی زیبا ایشان

می فرمایند که این عده و عده با چه درست می شود، می گویند که عده مشخص است که باید تقسیم مال کرد و جالب است می گویند که مهم تر از عده، عده است. چون آدم هست که پول می آورد و پول آدم نمی آورد. بعد توجه می کنند روی بحث اعداد یعنی جمعیت، بعد اشاره می کنند که لا عده الا بالاخوه، چهار بیماری را ایشان نام بردند، اول غرور به حقانیت، دو یأس، سه اختلاف و چهار نبود عده و عده و ریشه همه این ها هم جهل است.

## ارکان اخوت در اسلام

مرام اسلام دو چیز است: یکی این که حکومت از آن قرآن است و دوم ولایت از آن ولی الله است. چون این دو مرام را ما نمی دانیم یعنی حکومت از آن قرآن و ولایت از آن ولی الله است و چون این نیست این مشکلات وجود دارد و بعد بحث را می آورند به این جا و می گویند که اگر بخواهیم کاری را انجام دهیم باید عده و عده کسب کنیم. عده و عده به مقدم و موخر کردن اول عده است. یعنی اگر این جمع با هم دیگر مومن و متدین باشند هم بر حسب صفای باطن و هم بر اساس تلاششان آن مال و اموال روی هم جمع خواهد شد.





در تشیع هیچ وقت امکانات حرف اول را نمی‌زد و حرف آخر را می‌زند. آخرین فاکتور، امکانات است و اولین فاکتور نیرو است، فلذا عده مهم است اما مهم تر از آن عده است. آدم است که می‌تواند کار کند و انگیزه ایجاد کند آن وقت ایشان می‌فرمایند که لا عده الا بالاخوه. عده اگر می‌خواهد شکل بگیرد یعنی جمعیتی دور هم جمع بشوند نمی‌شود مگر با اخوت و برادری و بعد اشاره می‌کنند که ارکان اخوت چهار چیز است:

۱. انس

۲. کمال

۳. عزت

۴. عون (کمک و تعاون)

قرآن کریم که در عالم بالا است. اگر بخواهد نازل بشود بر چه نازل می‌شود؟ بر دل مبارک پیغمبر اکرم (ص). و اگر این از پیغمبر (ص) بخواهد ابلاغ بشود بر انسان‌ها ابلاغ می‌شود و دل انسان‌ها. فرودگاه قرآن دل و قلب است، اول قلب مطهر پیغمبر (ص) و ائمه و بعد قلوب مومنین، می‌فرماید که آن جوهره اصلی و حقیقت دریافت درست قرآن



دل پاکی است که از کینه نسبت به مومنین خارج است. **الا یمسوه الا المطهرون طهارت فقط این نیست که کسی غیبت نکند و تهمت نزند، این‌ها جای خودش است.**

اتصاف اخوت مراتب دارد، یعنی اگر در دلی کینه و سخن چینی و دو بهم زنی و همدیگر را ندیدن پیش بیاید، طبیعتاً این دل جایگاه قرآن نخواهد بود و بعد به زیبایی اشاره می‌کنند که این زوایای چهار گانه که چهار رکن در حقیقت می‌شود انس و کمال و عزت و عون، هر کدام دو زاویه دارند: یکی در مرحله اول انس بود. می‌گویند که انس دو چیز می‌خواهد وفاق و یکرنگی، اگر ما می‌خواهیم با همدیگر انس داشته باشیم دو چیز باید داشته باشیم یک وفاق یعنی توافق، دو یکرنگی یعنی دل‌ها با هم یکی باشد. در درون وفاق باشد این انس می‌آورد، پس رکن اول شد انس.

انس دو جنبه باید داشته باشد: وفاق و یکرویی، فرض کنید که یک خانه‌ای دارد که چهار رکن دارد اسم این خانه تشکل الهی است. چهار ستون این تشکل انس و عزت و عون و کمال است. هر کدام از این‌ها دو زاویه برای خودش دارد، دو بعد دارد انس دو بعد دارد، وفاق و

یکرویی، انس بر وفاق و یکرویی است، عزت بر اتحاد و یکرنگی است. کمال بر تواضع و فروتنی است، آدمی کامل است که متواضع باشد، فروتن باشد و تعاون و عون هم به جوانمردی و فتوت است.

تشکلی نمی‌تواند ایجاد بشود مگر اینکه این چهار رکن را داشته باشد. عزت و انس و کمال و عون، انس با یک رویی و وفاق است، عزت با اتحاد و یک رنگی، کمال با تواضع و فروتنی و سرانجام عون و تعاون بر فتوت و جوانمردی.

### روایتی از امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام می‌گویند که صداقت به دست نمی‌آید مگر به وجود آن هر کس این وجود را داشته باشد. **اولها ان تکون سریره و علانیه لک واحده**، زیر و روی او با تو یکی باشد، سریره یعنی باطن، علانیه یعنی ظاهر، ظاهر و باطن او با تو یکی باشد، و **ثانیا ان یرا زینک زین و شینک شین**، زینت برادر مومن را زینت خودت بدانید و ننگ او را ننگ خودت بدانید. اگر چیزی داشت که به آن

افتخار می‌کرد، تو به آن افتخار کن. اگر سرافکنده شد تو هم به خاطر سرافکنندگی او سرافکنده شو.

**سوم الا یغیره علیک مال و لا جان**، مراقب باشید که به جایی رسیدی مال دنیا تو را عوض نکند. الا یغیره علیک مال و لا جان نه پول و نه آبرو تو را عوض نکند و او را در واقع عوض نکنی، و **چهارم الا یمنعک شیء تناله بقدرته**، چهارمین نکته این است که هر چه که دسترسی به آن دارید از او دریغ نکنی، هر چه مال خودت هست مال او هم باشد و معنی هم نداشته باشد و او هم همین گونه باشد و چیزی را از تو دریغ نکند.

و **الخامسه و هی مجمع**، چهار مورد شد دیگر، ظاهر و باطن ما یکی باشد، زینت او زینت من و ننگ او ننگ من باشد مال و جان من او را عوض نکند، و هر چه دارم برای او کم نگذارم و پنجم این که می‌گوید مجمع همه این‌ها در سختی‌ها رهایت نکند، امام صادق می‌گویند. که این پنج مورد نشانه‌ها و شاخص‌های صداقت است. اگر

همه این‌ها بود آدم صادقی است. و اگر یکی از این‌ها هم بود خوب است همه این‌ها باشد خیلی مهم است، او را نسبت بده به صداقت.

آیت الله جوادی آملی می‌فرمودند که امام دو عالم داشتند عالم غیب و یک عالم شهود، عالم غیب ایشان از ۱۰ سالگی ایشان است تا سال ۱۳۴۲ و عالم شهود ایشان از ۱۳۴۲ است تا ۶۸ یعنی ۶۰ سال امام با خودش کار کرد، بعد توانست انقلاب کند و بعد ۱۵ سال نجف باشد و ۱۰ سال هم در انقلاب باشد. یعنی ۸۷ سال عمر ایشان ۶۰ سال آن خود سازی است، اگر این غیب امام نبود شهود امام هم نمی‌بود.

## اخلاق تشکیلاتی و تربیت تشکیلاتی

وقتی می‌گوییم اخلاق تشکیلاتی یعنی چیزهایی که در رفتار ما تبدیل شده باشد به یک رفتارهای ماندگار و این همیشه به چشم بیاید و مثل رعد و برق نیست که رعد و برق بزند و تمام بشود. دائم در وجود انسان هست. پس منظور از اخلاق این است. اخلاق با تربیت چه فرقی دارد؟ اخلاق با تربیت یک اشتراکاتی دارد. اولاً مبانی آن کاملاً با هم مشترک است. مبانی هستی‌شناسی و انسان‌شناختی آن

تقریباً مشترک است و موضوع آن مشترک است و هر دو انسان هستند. موضوع اخلاق انسان است و موضوع تربیت هم انسان است در عرصه‌هایی هم خیلی مواقع ممکن است که مشترک باشند فردی باشند و جمعی باشد.

اما یک تفاوت‌هایی هم دارد. یک تفاوت اخلاق و تربیت این است که اخلاق بیشتر جنبه خود سازی دارد و تربیت بیشتر جنبه دیگر سازی. این تفاوت اخلاق و تربیت است و تفاوت دیگر آن این است که تربیت همه عرصه‌ها را در بر می‌گیرد. هم عرصه‌های اختیار و هم غیر اختیار، بچه سه ساله از خودش هیچ اختیاری ندارد ولی ما چه کار می‌کنیم تربیت می‌کنیم؟ یک زمانی خود آدم متوجه نیست ولی پدر و مادر یا استاد او را وادار می‌کنند.

می‌گویند تربیت بر خلاف اخلاق که فقط عرصه اختیار است، کارهایی که در عرصه تربیت است هم اختیار است و هم تفاوت است. اخلاق مال جاهایی است که عرصه اختیارات انسان است. تربیت مال جاهایی هست که هم اختیار است و هم غیر اختیار با این حساب وقتی معلوم می‌شود که ما هم اخلاق تشکیلاتی داریم و هم تربیت تشکیلاتی.

سوال این است که اخلاق تشکیلاتی مهم تر است یا مقدم است یا تربیت تشکیلاتی؟

یعنی به اندازه‌ای این جا برای شما اخلاق تشکیلاتی گفته باشند باید تربیت تشکیلاتی هم بگذارند. چون تا تربیت اتفاق نیافتد اخلاق شکل نمی‌گیرد. این مقدم و موخر دارد، فلذا نیاز دارد که ما یک بحثی داشته باشیم راجع به تقویت تشکیلاتی و یک بحثی راجع به اخلاق تشکیلاتی که قطعاً در تقویت تشکیلاتی مهم است. این هم یک نکته این که اخلاق دو جنبه دارد دو بعد دارد، اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی. اخلاق تشکیلاتی ذیل اخلاق اجتماعی بحث می‌شود.

تفاوت این است که ما در اخلاق می‌گوییم خودم و خودم، خودم با خدا، خودم با جامعه، حیطة اخلاق اسلامی و الهی خود آدم است. بر اساس تنظیم روابطش با چهار عرصه، خودش با خودش، خودش با جامعه و مردم، خودش با خدا و خودش با جهان هستی، تکلیف انسان و حقوق انسان از دل این چهار حوزه در می‌آید، این بحثی که الان مطرح می‌شود هم از منظر حقوق و هم از منظر اخلاقی و فقهی و هم جامعه شناختی است.

اخلاق راجع به حقوق انسان و تکالیف انسان بر می‌گردد به تنظیم رابطه همین چهار تا، ما حق خودمان را چگونه انجام دهیم هر حقی که به گردن خود داریم تکلیف می‌شود. پس از دل تنظیم این ارتباطات چهارگانه حق و تکلیف در می‌آید که این خودش یک جدول خیلی قشنگ در می‌آید و کسی آدم مومنی است که مدیر تنظیم ارتباطات چهارگانه باشد. اگر ارتباطات خودمان را با خودمان در دو عرصه تنظیم کردیم، یک تفکر خلاق و دو رابطه با تفکر خلاق، ارتباط خودمان با خودمان تفکر خلاق و مراقبت از خودمان، دو با خدا راز و نیاز و عبادت کردن، با مردم حق مردم را به جا آوردن. با هستی و طبیعت که امروزه حقوق محیط زیستی می‌گویند.

امام سجاد علیه السلام در رساله حقوق ۵۲ حق و تکلیف را برای ما بیان کرده‌اند و گفته‌اند. پس اخلاق تشکیلاتی که می‌گوییم ذیل اخلاق جمعی است. یعنی نقطه آن ارتباط خود با دیگران است، این می‌شود اخلاق جمعی، من نسبت به دیگران چه اخلاق و رفتاری باید داشته باشم؟ اصول حاکم بر روابط من با دیگران باید چه چیزهایی باشد؟



این که ما می‌گوییم اخلاق تشکیلاتی ذیل اخلاق جمعی و اجتماعی است. اخلاق را گفتم، عرض کردم اخلاق یعنی صفات راسخه نفسانی که در ما وجود دارد و ما را وادار به کارهای خیر و نیک می‌کند و بعد اشاره کردیم به این نکته که اخلاق با تربیت یک تفاوت‌هایی دارد ضمن این که مشترک هستند و در مبانی، در دو عرصه متفاوت هستند. که اخلاق به معنی خود سازی هست و تربیت به معنی دیگرسازی. اخلاق فقط برای اختیار است تربیت اخلاق و غیر اخلاق است. بنابراین تربیت تشکیلاتی مهم تر از اخلاق تشکیلاتی است. نکته دیگر هم که گفتیم اخلاق تشکیلاتی ذیل اخلاق جمعی تعریف می‌شود و از آن بحث می‌شود.

## معنای تشکیلات

تشکیلات دو معنا دارد یک معنا در علم مدیریت است یک معنا در جهان شناسی است. تشکیلاتی که در علم مدیریت و علم نوین می‌آید راه‌ها و شیوه‌های سازمان دهی طبقات و مشاغل و ساختار و چیدمان اداری و اینکه چه کسی رئیس است و چه کسی مرئوس است

و این اداره چند واحد دارد و این واحد چند متصدی دارد؟ این‌ها را می‌گوییم تشکیلات، این منظور از تشکیلات قطعا در بحث ما نیست.

به طور مثال وزارت ارشاد تشکیلات سازمانی دارد وزارت آموزش و پرورش تشکیلات سازمانی دارد یعنی وزیر دارد، به این می‌گوییم تشکیلات قطعا آن چیزی که شیوه نمایاندن مسئولیت‌ها در یک اداره است نیست، با این حساب تشکیلات یعنی دفتر و دستک، آن چیزی که مد نظر ما نیست. یک بعد دیگر در تشکیلات است که به معنای جامعه شناختی خودش است و آن عبارت از این است که این نگاه با توجه به شکل است، تشکیلاتی که وابسته به شکل است یعنی یک تجمعی از افراد داوطلب.

پس اولین ویژگی آن داوطلبانه است، دو به هم پیوسته است و سه هم هدف هستند و چهار خود انگیزه هستند، این چهار مورد باید باشد داوطلبی به هم پیوستگی و هم هدفی خود انگیزگی، این چهار مورد الان هیئت‌های ما مصداق بارز آن هستند شما نگاه کنید یک جمع به هم پیوسته با یک هدف که مشخص است با هم هم عقیده و هم انگیزه

هستند. منسجم هستند درون جوش هستند و انگیزه دارند. مشکلات این‌ها را از راه به در نمی‌کند و داوطلبانه دارند کار خودشان را می‌کنند. یک توضیح دقیق تر این که تشکیلات از تشکیل است، باب تفعیل است، تشکیل دیده‌اید. یک وقت می‌گوییم هیئت ما تشکیل داده شد، یک وقت می‌گوییم هیئت ما تشکیل یافت، این باب تفعیل درون آن اجبار است، اما تشکل درون آن اول پذیرش است. از پایین به بالا است، تفعل، به قول اهل عربی می‌گویند. که مطاوعه درون آن است پذیرش اثر درون آن است.

بنابراین خیلی خوب است که بیاییم اخلاق تشکل اسلامی و از این قبیل را رعایت کنیم. منتها اخلاق تشکیلاتی مترادف با اخلاق به معنای علم مدیریت نیست، در علم جامعه شناسی به معنای تجمع داوطلبانه هم هدف خود انگیزخته بگوییم. حالا اخلاق این جا چقدر ضرورت دارد و ضرورت اخلاق در تشکل چه هست؟ اولاً ما جمع هستیم در جمع به طور طبیعی اخلاق اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. من یک موقع خودم هستم یک زمان ازدواج می‌کنم، زنی و فرزند پیدا می‌کنم، به طور طبیعی اخلاق فردی اهمیت دارد. اما وقتی من پدر می‌شوم وقتی

همسر می شوم یا وقتی مدیر می شوم یا وقتی مسئولیت پیدا می کنم اخلاق معنای خاص دیگری پیدا می کند، چون در جمع خلأها بیشتر جلوه پیدا می کند.

## آسیب های موجود در تشکل ها

در جمع آسیب ها بیشتر جلوه پیدا می کند، در جمع اختلاف ها بیشتر بروز و ظهور پیدا می کند. در جمع منیت ها بیشتر معنا پیدا می کند، در جمع آرم ها نه آرمان ها بیشتر معنا پیدا می کند. جمع آرمان سوزی می کند و آرم سازی می کند.

می گویند از خود بیگانگی دو جور است. یک وقت از خود بیگانگی شخصی است و یک بار از خود بیگانگی جمعی است به قول علما ما یک بار اماره فردی داریم اماره من به من امر به بدی می کند. یک وقت ما نفس به اماره جمعی داریم. که این خطرش بیشتر است، یک وقت من خودم طرح ریزی می کنم که فلان کس را از راه به در بکنم و جایش را بگیرم. یک وقت ما با هم برنامه ریزی می کنیم که فلانی را بگیریم. یک وقت شیوه فردی بروز می کند. یک وقت جمع می شویم

می‌گوییم تا کینه فردی تبدیل به کینه جمعی می‌شود، یک وقت دو نفر داریم غیبت جمعی می‌کنیم یک وقت پانزده نفر هستیم به اسم تحلیل و نقد داریم غیبت ۱۵ نفر دیگر را می‌کنیم.

یک وقت جهنم جهنم یک نفره است، یک وقت جهنم جهنم پنجاه نفره است. معلوم است که کدام آتش حرارتش بیشتر است پس اخلاق این جا بیشتر اهمیت پیدا می‌کند.

## مأموریت هیئت‌ها

مأموریت یک تشکل مثل انجمن اسلامی یا یک کانون مردمی چیست؟ وقتی می‌گوییم هیئت یعنی محل نیرو سازی برای امام زمان (عج) نه اجرای برنامه برای امام زمان (عج). البته نیرو که باشد این کار را هم می‌کنیم برنامه اجرا بشود خوب است. اما وقتی نیرو سازی بکنید چون که صد آید ۹۰ هم پیش ماست، برنامه هم اجرا می‌شود، اگر هیئت تو غیر از خودت کسی نیست و مردم می‌آیند و می‌روند. در چهار مراسم هستند این کار خوب است. ولی کافی نیست، از نظر نیرو سازی چه اقداماتی باید بکنند؟



وقتی در تشکل اسلامی اصل اول نیرو سازی و ساختن نیرو شد طبیعتاً اخلاق معنا پیدا می کند چون موضوع اولیه اخلاق انسان است، آن وقت به خصوص این که ما خودمان یک طور و آدم هایی که در تشکل ها حضور پیدا می کنند، قرار هست که خودشان نیرو بشوند، قرار است که خودشان آهنربا بشوند، براده آهنی هستند که می آیند در حوزه جذب مغناطیس ولایت محبت اهل بیت جذب بشوند و خودشان ربایش پیدا می کنند و بعد می روند جای دیگر که برابند.

اخلاق یعنی اول خودش را ادب کند و بعد دیگران را. در آیه ۲۶ و ۲۷ سوره مبارک فصلت خداوند میفرماید: **و من احسن قولا ممن دعا الی الله و عمل صالحا.** چه کسی نیکو قول تر و چه کسی کارش تأثیرگذار تر از کسی که دو ویژگی دارد، دعا الی الله، هیئت ما دارد امام زمان را نشان می دهد یا خودت را داری نشان می دهی؟ دعا الی الله یک و عملا صالحا دو و سپس **و قال اننی من المسلمین** سپس ادعای مسلمانی کن، این روایات را ببینید، **تعاونوا علی البر و التقوا**، تعاون کنید با هم بر نیکو کاری و تقوا این غیر از اخلاق می خواهد؟

آیه آخر سوره مبارکه آل عمران است، می‌گوید این آیه از مهم ترین آیات اخلاق تشکیلاتی است، **یا ایها الذین آمنوا و صابروا**، همدیگر را توصیه به صبر کنید و رابطوا، رابطوا سه معنا دارد، یک معنای مرزبانی می‌دهد، یک معنای دیگر امام قوم است و با هم دیگر ارتباط داشته باشید، فرقی نمی‌کند تشکل الهی هم باید مرزبان دیده و عقیده باشد. هم ارتباط با دیگران و هم با خودشان، **رابطوا و تقوا الله لعل**، آخر آل عمران، این آیه را باید هر تشکل دینی بداند، این روایاتی که در این باب است، آیه شریفه سوره مبارک آل عمران هم هست **واعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا**، این فقط در مورد اتحاد شیعه و سنی نیست مال ما هم هست که اتفاقا مرحوم آقای شاه آبادی می‌فرمایند که این آیه در عالم معنا یک جلوه‌ای دارد تجلی زمینی این آیه در زمین همین ارکان چهارگانه است که خیلی قشنگ است.

تجلی زمینی و اعتصوا بحبل الله همان انس و عزت و کمال و عون است. حال که اهمیت مشخص شد ما خیلی نیاز داریم و باید به خودمان و به جنبه‌های هسته‌های اصلی خودمان پردازیم. ما بیش از آن که به علم نیاز داشته باشیم به موعظه نیاز داریم دلیلش این است که

یکی از نشانه‌های آخر الزمان این است که علم ایجاد می‌شود و راست می‌گوید اما نتیجه‌ای که علم می‌آورد باید آرامش بیاورد، از یک طرف علم ایجاد می‌شود اما از طرف دیگر جهل زیاد می‌شود.

یکی از ویژگی‌های آخر الزمان متعکس بودن است، عکس یعنی عکس عمل می‌کند، این یک بحث جدایی است در جبهه حق و باطل که خیلی بارز است. بعضی‌ها می‌گویند که چگونه می‌شود در زمانه پر غوغای پر فریب پر از پلشتی‌ها و پلیدی‌ها که روشنترین قطعه زمین که مطهر به خون ۲۵۰ هزار شهید است، زیر سایه حکومت نائب امام زمان (عج) که روشنترین قطعه زمین ما هستیم. غربی‌ها می‌گویند که مگر می‌شود بحث کنیم که زمانه ما زمانه متعکس است.

این اخلاق الهی و اخلاق تشکل الهی این خوبی‌ها و این آثار در این جوها وجود دارد. یک ایجاد کننده مصونیت و امنیت روح و روان جمعی است، این خیلی مهم است که آدم‌ها از دست و زبان هم در امان باشند. در جمع متلک‌ها، شوخی‌ها، تهمت‌ها، غیبت‌ها، سوء ظن‌ها، بدبینی‌ها، اخلاق ایجاد مصونیت می‌کند. ما هیئتمان بستر سلوک است؛ ما که می‌گوییم السلام علیک یا ابا عبدالله بی شک زیر این السلام



ساخته شدن است و این گریه ساخته شدن است. بوجود آوردنده بستر مناسب سلوک مطلوب جمعی به تبع آن امنیت است.

بستر ساز برای شکوفایی استعداد های جمعی است. چون یک استعداد فردی داریم و یک استعداد جمعی داریم، یک وقت شما فردی یک کاری می کنید و استعداد دارید یک وقت جمع شما یک استعداد را در یک شهر به نمایش می گذارید که همه می گویند عجب می شود این کار را هم کرد. می شود یک شکل این گونه داشت یک استعداد فردی دارید و یک استعداد جمعی دارید. اخلاق جمعی بستر ساز است برای شکوفایی و استعدادها و مهارت های جمعی، اخلاق این کار را می کند. زمینه ساز تداوم مناسب اندیشه ها است.

فراهم کننده هم افزایی و تصاعد نیروها، تصاعد یعنی صعود کردن، کار تجمعی این است که ما باید دست همدیگر را بگیریم و با هم برویم مثل قله کوه که می رویم در حرکت دسته جمعی به کوه، تصاعد اتفاق می افتد. چون من که می روم می بینم که تو نیامده ای می ایستم که تو بیایی، تو که رفتی می ایستی که من بیایم. به این می گویند تصاعد. تو

که پایت درد می کند من دست را می کشم بیایی بالا به این می گویند  
تصاعد نیرو.

اعتماد آفرین است. انسجام آفرین است، گل ها را که میبینید آن وسط  
که زنبور عسل می نشینند به آن می گویند تشکیله، نام گذاری های لغوی  
خیلی مهم است. وقتی می گویند تشکیلات یعنی یک گروه هایی از آن  
به دست می آید که می شود عسل درست کرد. خیلی مهم است، این  
می شود تشکیلات، انسجام که وقتی می گوئیم یعنی چه؟ انسجام از  
سجم می آید، سجم یعنی ستاره در آسمان شما اگر سرتان را بالا  
بیاورید شاید چند میلیون ستاره ببینید. این ها ردیف مثل رژه با هم قرار  
نگرفته اند ما به این می گوئیم انسجام.

اگر دانه هایی مثل ارتش کنار هم باشند به این می گوئیم انتظام اما اگر  
دانه هایی سر جای خودشان قرار گرفتند می شود انسجام. به حسب  
ظاهر بی نظم است ولی در عین حال منظم است. هیئت انسجام دارد و  
لذا انتظام را یک لگد بزنید چون خیلی منظم است تا آخر ده کیلومتر  
هم باشد می رود.

## چند نکته مهم در مورد تشکل‌ها

نکته اول اینکه اصول اخلاق اسلامی در تشکل را می‌گوییم یک پیوند با ولایت، وقتی می‌گوییم ولایت باید بگوییم ولایت فقیه. چون وقتی می‌گوییم ولایت فقیه امام زمان (عج) می‌آید چون وقتی می‌گوییم ولایت امام زمان (عج) نمی‌آید، می‌گوییم ولایت و مقید نمی‌کنیم به چیزی ولایت چه کسی؟ پیروان ولایت چه کسی؟ ولایت فقیه این باید مشخص باشد، وقتی ولایت می‌گویید فقیه را هم بگویید، اگر می‌خواهید ولایت امیر المومنین بگویید. هم بگویید ولایت امیر المومنین، ولی برای الان کلمه‌ها راهزن هستند و ما باید قیده‌های توضیحی بیاوریم، خیلی‌ها می‌گویند ولایت، الان انجمن حجتیه می‌گوید ولایت همه می‌گویند ولایت، شبکه است.

اعتقاد به ولایت فقیه یک مسئله کلامی نیست که هست. یک مسئله فقهی نیست، که اعتقاد به ولایت فقیه در جهش سلوکی موثر است، بگویید که این چه حرفی است که می‌زنید؟ می‌گوییم که شما چگونه می‌توانید بدون رساله نماز داشته باشید، اگر رساله نداشته باشید و نماز بخوانید و اگر نمازی که می‌خوانید منطبق با نظر مرجعت نباشد، باید

نمازتان را مجدد بخوانید. چگونه داشتن رساله در سلوک و نماز و روزه مهم است. اما ولایت مگر از مرجع تقلید پایین تر است؟ برخی ها فکر می کنند که ولایت فقیه مال عرصه های سیاسی است.

اگر در دلت با حضرت آقا زاویه داشته باشی، روی تو تأثیر اخلاقی می گذارد. کما اینکه کسانی که با امام زاویه پیدا کردند، از نظر اخلاقی سکون حس کردند. آنهایی که الان آن طرف آب هستند، زمانی از جبهه انقلاب اسلامی بودند و در خط امام بودند و در جنگ بودند. چرا از لحاظ معنوی نابود شدند چون اعتقاد به ولایت فقیه در اخلاق ما موثر است، کما اینکه ولایت امیرالمومنین در اخلاق موثر است. مگر نمی گوئیم که ولایت فقیه استمرار ولایت ائمه است؟ مگر نمی گوئیم که هر کس ولایت علی را دارد باید اخلاق او هم درست بشود؟

اگر نگاهی به هشت سال دفاع مقدس بیاندازیم، واقعا انسان مبهوت می شود. این از اعتقاد است، اینها از امام است، اینها رشد می کنند، اینها هستند که جریان سلوک ایجاد می کند که به خاطر اینکه نماز شب او ترک می شود، سه روز روزه می گیرد. اینها را عرفای ما هم نمی توانند تربیت کنند. پس اصل اول این است که این را تقویت کنیم.

امام فرمودند یک گروه نباید "ان مع" باشند، گفتند که "ان مع" یعنی چه؟ گفتند که کسانی که به دنبال جهل مردم هستند و نه امام هدایت دارند و نه امامت دارند، کسی که امام هدایت داشته باشد، خودش است و عوض نمی‌شود، این یک نکته ذیل همین ولایت فقیه. توصیه می‌کنم عالم محور باشید، متصل به روحانی که فرهیخته و عالم باشد هیئت‌های ما باید مهم‌ترین شاخصه آن روحانیت باشد.

نکته دیگر این است که این تجمع‌ها یک بعد هویت آفرینی می‌کند و یک بعد هویت زدایی می‌کند. هویت آفرینی‌اش این است که تا سه سال پیش هیئت علی بن الحسین نبود، تا الان که هویت هیئتی انجمنی یا کانونی پیدا کرده ایم، روحیه جمعی پیدا کرده‌ایم روحیه مشورت پیدا کرده‌ایم، خیلی خوب است، اما یک مخاطره دارد. نکند هویت جمعی تازه متولد شده، هویت فردی ما را از ما بگیرد، تشکل الهی اگر کار اخلاقی کند هیچ وقت هویت فردی‌اش از دست نمی‌رود و هویت جمعی‌اش هم از دست نمی‌رود.

وقتی می‌گویم توازن نه که ۵۰ در صد هویت فردی و ۵۰ در صد هویت جمعی باشد، توازن متفاوت است، قطعا آن چه که می‌شود

بگوییم که ۶۰ درصد هویت فردی را داشته باشید هویت فردی خود محوری نیست، یعنی خودت را یادت نرود و مراقب خودت باش خودت را خراب نکنی، خود محور نباشید. اما ۴۰ درصد هویت جمعی را داشته باشید. فرق می‌کند یک جاهایی آدم باید ده درصد از خودش بگذرد و یک جاهایی ۹۰ درصد. در جنگ اگر می‌بینید که فرمانده دارد اشتباه فاحش می‌کند خودی ندارید باید بروید، باید گوش کنید، اما در شرایط عادی می‌گویم توازن در جای خودش باشد.

نکته دیگر بحث امر به معروف و نهی از منکر است. تنها جایی که قرآن به مردم جمعی ولایت داده است در امر به معروف است. المومنون و المومنات بعضهم اولیاء یأمرون بالمعروف، که این نظارت جمعی را بحث کرده است. روی هم نظارت کنید. منتها نه این که سرک بکشید ارتباطات مومنانه ستر مومنانه می‌خواهند.

## راز داری خیلی مهم است

در تشکیلات شیعه که آقا در کتاب انسان ۲۵۰ ساله بحث می‌کنند، می‌فرمایند که بعضی از آدم‌ها که دلشان طاقت نداشت لو می‌دادند و

حضرت نفرینشان می‌کرد. در تشکل رازداری خیلی مهم است. چون ما از یک چیزهایی سر در می‌آوریم و رازداری مرموز داری نیست.

نکته آخر یک حلقه مفقوده است، نمی‌توانید با خانواده انس نداشته باشید نباید خانواده را از ما بگیرد. عملاً تشکل الهی خانواده محور است. همسر داشته باشد پدر و مادر داشته باشد به هر شکل ممکن، خدمت گذاری بی‌منت باشد. در روایت مودت و رحمت به همسر و پناه و مأمّن برای فرزندان است.

دوره تربیت

مدیران تشکیلاتی

روحانی شهید

میرزا کوچک جنگلی



زمستان ۱۳۹۲

جبهه فرهنگی

انقلاب اسلامی

استان گیلان